

الجامع الاحکام القرآن

ابتدای هر حدیث نیز نام کتاب و نشانی دقیق حدیث ذکر شده است. نام کتب اربعه، وسائل الشیعه و مستدرک الوسائل (به سبب کثرت نقل از آنها) با رمز، و اسامی دیگر منابع حدیثی، با نام مشهور آنها آمده است. ویژگیهای چاپ مآخذ هم در مقدمه کتاب بیان شده است.

۹) تمامی احادیث منقول از کتب اربعه، از مصادر اصلی خود نقل و مکرراً با نسخ خطی معتبر مقابله شده‌اند (ع معزی ملایری، ج ۱، مقدمه، ص ۱۳-۲۴).

گفته شده است که آیت‌الله بروجردی، که آگاهی از احادیث اهل سنت را در فهم معانی روایات و احادیث شیعی مؤثر می‌دانست، در ابتدا بر این نظر بود که در ذیل هر باب کتاب، روایات اهل سنت هم آورده شود اما بعدها از این کار منصرف شد (بروجردی، مقدمه واعظزاده خراسانی، ص ۴۵؛ واعظزاده خراسانی، ۱۳۷۰ ش، ص ۲۰۸-۲۰۹).

آیت‌الله بروجردی از تألیف کتاب، بسیار خرسند بود و آن را ثمره عمر خویش می‌دانست (ع معزی ملایری، ج ۱، مقدمه محمدحسن بروجردی، ص ۱۱). چاپ کتاب در زمان حیات ایشان آغاز شد و نخستین جلد (شامل ابواب مقدمات و مبحث طهارت) در ۱۲۸۰، چند روز پس از وفات ایشان، در قطع رحلی منتشر گردید (مشار، ستون ۲۳۹). در ابتدای کتاب، بابی مقدماتی گشوده شده که در بر دارنده برخی مباحث مهم اصولی است، مانند حجیت عقل، حجیت ظاهر قرآن و سنت پیامبر اکرم، و مشروط بودن تکلیف به عقل و بلوغ از دیدگاه احادیث. تألیف مقدمه کتاب را آیت‌الله بروجردی خود آغاز کرد و پس از وفات او، فرزندش سید محمدحسن، آن را تکمیل نمود. جلد دوم کتاب در همان قطع و شامل ابوابی از مباحث نماز در ۱۳۸۵ چاپ شد. چاپ کامل کتاب در قطع وزیری، در ۱۳۹۹ با توصیه و حمایت مالی آیت‌الله خونی در قم آغاز شد و در ۱۴۱۵ در ۲۶ جلد به پایان رسید. در ابتدای مجلدات کتاب تا جلد بیستم، دستخط تشویق‌آمیز آیت‌الله خونی دیده می‌شود. چاپ مجلدات پایانی کتاب نیز از حمایت آیات، سیدمحمد رضا گلپایگانی و سیدعلی سیستانی، برخوردار شد.

آخرین چاپ جامع احادیث الشیعه، با اضافات و اصلاحاتی بر چاپ پیشین، در ۱۳۷۱ ش آغاز شد و در ۱۳۸۳ ش در ۳۱ جلد به پایان رسید. مهم‌ترین ویژگیهای این چاپ، بنابر آنچه در مقدمه آن آمده، عبارت است از: افزودن حدود هزار حدیث که در وسائل الشیعه و مستدرک الوسائل نیامده است، ذکر معانی لغات، آوردن تعلیق و توضیح درباره برخی احادیث، تبدیل شماره صفحات منابع حدیثی به چاپهای جدیدتر آنها و تصحیح اشتباهات چاپ اول (درباره کتاب ع واعظزاده خراسانی، ۱۳۷۹ ش، ص ۱۸۲-۱۸۶).

منابع: رضا استادی، آثار و تألیفات آیت‌الله بروجردی، حوزه، سال ۸، ش ۱ و ۲ (فروردین - تیر ۱۳۷۰)؛ حسین بروجردی، ترتیب اسانید کتاب الکافی للشیخ الكلینی رحمه الله، مشهد ۱۴۱۴/۱۹۹۳؛ جعفر سبحانی، مصاحبه با آیت‌الله جعفر سبحانی، حوزه، سال ۸، ش ۱ و ۲ (فروردین - تیر ۱۳۷۰)؛ جواد علوی، آیت‌الله بروجردی در بروجرد، همان منبع؛ محمد فاضل لشکرانی، مصاحبه با آیت‌الله محمدفاضل لشکرانی، همان؛ خاناباا مشار، فهرست کتابهای چاپی عربی، تهران ۱۳۴۴ ش؛ اسماعیل معزی ملایری، جامع احادیث الشیعه فی احکام الشریعة، قم ۱۳۷۱-۱۳۸۳ ش؛ محمد واعظزاده خراسانی، زندگی آیت‌الله العظمی بروجردی و مکتب فقهی، اصولی، حدیثی و رجالی وی، تهران ۱۳۷۹ ش؛ همو، مصاحبه با حجة الاسلام والمسلمین محمد واعظزاده خراسانی، حوزه، سال ۸، ش ۱ و ۲ (فروردین - تیر ۱۳۷۰).

/ محمدکاظم رحمان ستایش /

الجامع الاحکام القرآن - تفسیر قرطبی

جامع الاسرار و منبع الانوار، کتابی در عرفان به عربی، تألیف سید رکن‌الدین حیدر بن علی بن حیدر حسینی آملی، عارف و مفسر شیعی قرن هشتم. این اثر را جامع الانوار، مجمع الاسرار و منبع الانوار، نیز نامیده‌اند (ع آملی، ۱۳۵۳ ش، ج ۱، ص ۹؛ کحاله، ج ۴، ص ۹۱؛ آقابزرگ طهرانی، ج ۵، ص ۳۹، ۴۳). سیدحیدر آملی* در دوران کهنولت و در نجف تألیف آن را تمام کرد (ع آملی، ۱۳۶۸ ش، ص ۵؛ همو، ۱۳۵۳ ش، ج ۱، ص ۵۳۶)؛ بنابراین، به نظر می‌رسد که احتمال نگارش آن در ۷۵۲ (ع همو، ۱۳۶۸ ش، مقدمه کورین، ص سی و هفت)، در ۳۲ سالگی مؤلف، اشتباه باشد. سید حیدر جامع الاسرار را پس از رسائلی همچون منتخب التأویل، الأركان، الأمانة، و التنزیه نگاشته است (همان، ص ۳).

مؤلف در مقدمه جامع الاسرار (همانجا) انگیزه تألیف کتاب را درخواست جماعتی از برادران صالح و سالک ذکر کرده است مبنی بر اینکه وی کتاب جامعی مشتمل بر اسرار انبیا و اولیا و به ویژه اسرار توحید و اقسام و توابع و لوازم آن بنویسد و از حقایق، دقائق، نکته‌ها و رموز توحید پرده بردارد و بر اساس قاعده موحدان و محققان اهل الله و صوفیان و موافق با اصول و قواعد مذهب شیعه دوازده امامی، اصول و فروع و شعب و شبهات و شکوک و مغالطه‌های آن اسرار را بررسی کند، به نحوی که تنازع صوفیه و شیعه از میان برخیزد و در رفع اختلاف آنان، به کتاب دیگری احتیاج نباشد.

به گفته وی (۱۳۶۸ ش، ص ۶۱۰، ۶۱۲، ۶۱۶)، جامع الاسرار تکرار لفظی و معنایی ندارد و جامع اسرار انبیا و اولیا به حسب

ابن عربی، اوصاف الأشراف و رسالة علم خواجه نصیرالدین طوسی، تأویلات عبدالرزاق کاشانی، تفصیل النشأتین و تحصیل السعادتین راغب اصفهانی، شرح نهج البلاغه و منهاج العارفین هر دو از ابن میثم بحرانی در شرح کلام حضرت امیر، رسالة وجود مطلق صدرالدین ترکه و رسائل و دیگر نوشته‌های خودش (برای نمونه ← همان، ص ۵۰، ۷۸-۸۰، ۱۱۸، ۱۴۳، ۱۵۰، ۲۳۸، ۳۲۶، ۳۷۲، ۳۹۸، ۴۳۵، ۴۶۸، ۴۹۷-۴۹۸، ۶۱۴).

اساسی‌ترین بحث جامع‌الاسرار این است که شیعیان حقیقی، صوفیان‌اند و صوفیان حقیقی شیعیان‌اند. در این کتاب بی‌بهره بودن صوفیه از اسرار الاهی و انحصار این اسرار به امامان معصوم علیهم السلام رد شده است. از طرف دیگر، مؤلف نفی فضائل عرفانی را از امامان توسط صوفیه نپذیرفته و آن را از جهل صوفیه دانسته است و نیز بیان کرده که تنها فرقه حقه صوفیه، فرقه‌ای است که از اسرار الاهی بهره‌مند است و به امامان معصوم ایمان ظاهری و باطنی دارد. به عقیده وی، امامان منبع علوم و معدن اسرارند و صوفیه نیز سر ولایت را از امامان دریافت کرده‌اند و تنها فرقه حقه شیعه، شیعه دوازده امامی است (همان، ص ۹، ۳۶، ۴۱، ۲۲۴-۲۲۵، ۶۱۵).

سیدحیدر در بحث تعیین خاتم ولایت، برخی از آموزه‌های اصلی ابن عربی و شارحان او، به ویژه قیصری، را دگرگون ساخته و بر خلاف ابن عربی و برخی مریدانش - که حضرت عیسی علیه السلام را خاتم اولیای مطلق و ابن عربی را خاتم اولیای مقید معرفی می‌کنند - خاتم اولیای مطلق را حضرت علی علیه السلام و خاتم اولیای مقید را حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی کرده و سبب اشتباه ابن عربی و قیصری را در این مسئله پیروی آنان از مذهب تسنن و تعصب داشتن به آن دانسته است (← همان، ص ۳۹۵-۴۴۸؛ نیز ← جهانگیری، ص ۵۳۴-۵۳۵). به نظر کورین (آملی، ۱۳۶۸ ش، مقدمه، ص چهارده) با این تغییر یا اصلاح، آموزه‌های ابن عربی تا به امروز در حکمت شیعی ادغام شده است.

برخی از ابتکارات سیدحیدر در جامع‌الاسرار اینهاست: ارجاع حضرات خمس به حضرات ثلاث، ارائه وحدت وجود در قالب توحید وجودی، طرح مسائل عرفانی در فضا و چارچوبی کاملاً شیعی، و به عبارتی تأکید بر ارائه وجه عرفانی شیعه (برای نمونه ← آملی، ۱۳۶۸ ش، ص ۷۷-۷۶، ۱۰۰، ۵۵۹).

وی در جامع‌الاسرار بر تثلیث عالم (اعم از تثلیث، فردیت تثلیثی اعتباری، فردیت تثلیثی خارجی) تأکید کرده و سعی در ارائه تثلیثی مطالب عرفانی داشته است. بر این اساس، حضرات خمس را به حضرات سه گانه ارجاع داده (همان، ص ۳۵۱-۳۵۲، ۵۵۹) و اصل سوم را بر مبنای سه مفهوم بنیادین عرفان شیعی

ظاهر و باطن و متصف به مقام محمدی است و هدف اصلی آن تبیین توحید است و بهره‌برداری از آن منوط به توجه تام و صفای ذهن و خلوص اعتقاد و تسلیم کامل و یا با مدد گرفتن از عارف کامل محقق است.

از ویژگیهای جامع‌الاسرار تنوع در روش است، چنانکه مؤلف در آن از دلایل نقلی (آیات و روایات)، دلایل عقلی، و مواهب شهودی و مکاشفات خود و سایر مشایخ استفاده کرده و گاهی نیز در اثبات مسائل چون عصمت امامان، از مباحث کلامی بهره گرفته است (برای نمونه ← همان، ص ۲۴۴-۲۵۳، ۴۰۰-۴۱۳، ۴۳۶-۴۴۶).

جامع‌الاسرار شامل سه اصل و هر اصل آن شامل چهار قاعده است. بزرگ‌ترین اصل آن، یعنی اصل اول، در باب توحید و اقسام آن است و چهار قاعده آن عبارت‌اند از: در بیان فضیلت توحید، در تعریف توحید، در تقسیم توحید، و در بیان چگونگی توحید.

سیدحیدر در اصل دوم، با تکیه بر آیات قرآنی و احادیث نبوی و روایات ولوی و سخنان مشایخ، به تحلیل حقیقت توحید پرداخته و در قاعده اول این اصل به کلام الله، در قاعده دوم به کلام انبیا، در قاعده سوم به کلام اولیاء الله و در قاعده چهارم به گفتار مشایخ عرفان استشهاد کرده است. گفتنی است که در قاعده دوم به گفتار پیامبر اکرم، در قاعده سوم به کلام حضرت علی علیه السلام و در قاعده چهارم به سخنان خواجه عبدالله انصاری در منازل السائرین اکتفا کرده است (← همان، ص ۲۸۱-۳۲۶).

اصل سوم در باب توابع و لواحق اسرار شریعتهای الاهی است که همه قواعد این اصل بر سه مفهوم بنیادین عرفان شیعی بنا شده است: قاعده اول به بیان شریعت، طریقت و حقیقت اختصاص دارد. قاعده دوم در باب اسرار نبوت، رسالت و ولایت، و مشتمل بر دو بحث است: تعیین خاتم اولیای مطلق و تعیین خاتم اولیای مقید. در قاعده سوم، علاوه بر بحث از وحی و الهام و کشف، از تفاوت علوم کسبی و علوم ارثی و کیفیت تحصیل علوم رسمی و علوم حقیقی سخن گفته و قاعده چهارم را به بیان اسلام و ایمان و ایقان اختصاص داده است.

مؤلف در موارد متعددی از این اثر، آرای دیگران را، بدون تصرف، نقل کرده و سپس به بررسی و نقد و تصحیح آنها پرداخته و در صورت لزوم، مطالب تکمیلی بر آنها افزوده است (برای نمونه ← همان، ص ۳۹۰-۴۵۳).

سیدحیدر در تألیف جامع‌الاسرار از این آثار استفاده کرده است: احیاء علوم الدین غزالی، منازل السائرین خواجه عبدالله انصاری، شرح منازل السائرین یلمسانی و عبدالرزاق کاشانی، الفتوحات المکیه و فصوص الحکم و شروح آن و رسائل

جامع الاصول من احادیث الرسول

مطرح کرده و ضمن پذیرش تثلیث محمدی (عطر، نماز و زن) و تثلیث الاهی (علم، اراده و امر)، تثلیث عیسوی (پدر، پسر، روح القدس) را رد کرده است (همان، ص ۳۵۱-۳۵۲).

در جامع الاسرار (ص ۳۴۴، ۳۴۶-۳۴۷)، شریعت و طریقت و حقیقت، به عنوان حقیقت واحدی که دارای اعتبارات گوناگون‌اند، معرفی می‌شود. همچنین مؤلف، الحاد اسماعیلیه را در نفهمیدن چگونگی برتری ولایت بر نبوت، و الحاد نصیریّه (فرقه‌ای از غالیان در نواحی شام) را در نفهمیدن حقیقت ولایت و خواص آن بیان می‌کند (همان، ص ۳۸۷-۳۸۸).

سیدحیدر از آرای فلاسفه در باب قاعده الواحد (نفی صدور کثیر از واحد) و نفی علم حق به جزئیات، و آرای معتزله و اشاعره در باب وجود و ذات حق و عینیت یا زیادت صفات حق انتقاد کرده و معتقد است که با تحصیل علوم رسمی و کسبی (= علم کلام و فلسفه) نه تنها معرفت‌الله حاصل نمی‌شود بلکه شکوک و شبهه‌های انسان افزایش می‌یابد (همان، ص ۴۷۴-۴۷۸، ۴۸۱-۴۸۸).

حکما و عرفای بزرگی چون شیخ بهائی (متوفی ۱۰۳۰) و قطب‌الدین نیریزی (متوفی ۱۱۷۳) با جامع الاسرار آشنا بوده و مؤلفش را سید جلیل‌القدر و عارف معتقد به وحدت وجود خوانده‌اند (افندی اصفهانی، ج ۲، ص ۲۲۱؛ آملی، ۱۳۶۲، مقدمه خواجه‌جوی، ص بیست و نه، پانویس ۱).

از جامع الاسرار نسخه‌های خطی متعددی از زمانهای گوناگون به جا مانده که حاکی از شناخته شده بودن آن نزد اندیشمندان و محققان است (آقابزرگ طهرانی، ج ۵، ص ۳۸-۳۹؛ حسینی اشکوری، ج ۱۳، ص ۳۷۷؛ دانش‌پژوه، ج ۸، ص ۱۵۰-۱۵۱، ۶۲۹، ج ۹، ص ۹۲۵). این کتاب به تصحیح عثمان اسماعیل یحیی و هانری کورین و با مقدمه‌ای از هر یک از آنها، به انضمام کتاب‌شناسی آثار سیدحیدر آملی که عثمان یحیی تنظیم کرده بود، در ۱۳۴۷ ش چاپ و در ۱۳۶۸ ش تجدید چاپ شد.

منابع: آقابزرگ طهرانی؛ حیدرین علی آملی، اسرار الشریعة و اطوار الطریقة و انوار الحقیقة، چاپ محمد خواجه‌جوی، تهران ۱۳۶۲ ش؛ همو، جامع الاسرار و منبع الانوار، چاپ هانری کورین و عثمان اسماعیل یحیی، تهران ۱۳۶۸ ش؛ همو، المقدمات من کتاب نص النصوص فی شرح فصوص الحکم لمحبی الدین ابن‌العربی، ج ۱، چاپ هانری کورین و عثمان اسماعیل یحیی، تهران ۱۳۵۳ ش؛ عبدالله بن عیسی افندی اصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، چاپ احمد حسینی، قم ۱۴۰۱؛ محسن جهانگیری، محیی‌الدین ابن‌عربی؛ چهره برجسته عرفان اسلامی، تهران ۱۳۷۵ ش؛ احمد حسینی اشکوری، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی، قم ۱۳۵۴-۱۳۷۶ ش؛ محمدتقی دانش‌پژوه، فهرست

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تهران، ج ۸، ۱۳۳۹ ش، ج ۹، ۱۳۴۰ ش؛ عمرضا کجّله، معجم المؤلفین، دمشق ۱۹۵۷-۱۹۶۱، چاپ افست بیروت [بی‌تا].

/ سیدجعفر سجادی /

جامع الاصول من احادیث الرسول، کتابی در

حدیث از ابوالسعدات مجدالدین مبارک‌بن محمدبن محمد شیانی موصلی، معروف به ابن‌اثیر* (۵۴۴-۶۰۶)، محدث، رجال، مفسر و فقیه شافعی. نام این کتاب در منابع به صورتهای جامع‌الاصول فی احادیث الرسول و جامع‌الاصول لاحادیث الرسول نیز آمده است. این کتاب براساس کتاب التجرید للمصاحح السنة نوشته رزین‌بن معاویه (متوفی ۵۳۵) تألیف شده است. رزین پیش از ابن‌اثیر به تنظیم و تبویب روایتهای صحیح مسلم و بخاری، الموطأ مالک، سنن ابوداود، نسائی و ترمذی پرداخته بود (ابوزهو، ص ۴۳۰) ولی کار او کاستیها و ضعفهایی داشت که ابن‌اثیر برخی از آنها را ذکر کرده است (ج ۱، ص ۴۹-۵۰).

برخی امتیازات و ویژگیهای جامع‌الاصول عبارت است از: طبقه‌بندی و تنظیم روایات به روشی جدید (ج ۱، ص ۵۶)؛ ثبت آن دسته روایات که در صحاح سه آمده ولی در کتاب رزین ذکر نشده است (ج ۱، ص ۵۰)؛ شرح و توضیح و اعراب‌گذاری واژگان غریب در احادیث و پاره‌ای افزوده‌ها در تفسیر و تبیین روایات (همانجا)؛ حذف سلسله سند و بستنه کردن به ذکر نام صحابی یا راوی صحابی (ج ۱، ص ۵۳-۵۴)؛ تنظیم فهرستی از روایان به ترتیب الفبا در پایان کتاب (ج ۱، ص ۵۴)؛ تکیه بر احادیث پیامبر و آثار صحابه و نیابردن اقوال تابعین، پیشوایان حدیث و فقیهان، جز در مواردی اندک (همانجا).

ابن‌اثیر در این کتاب، برخلاف برخی مؤلفان که احادیث را به ترتیب مسانیدگردآورده‌اند، ترتیب و تنظیم براساس ابواب را برگزیده است؛ یعنی، احادیث متعدد را به اعتبار معانی و مفاهیم آنها، در بابهای مختلف فراهم آورده (ج ۱، ص ۵۶) و چنانچه روایتی چند معنا داشته و این معانی به گونه‌ای دارای وحدت موضوعی بوده، آنها را در پایان کتاب ضمن بابی مستقل به نام «اللواحق» (ج ۱، ص ۶۸۵-۸۰۴) آورده است. بدین ترتیب، پس از طبقه‌بندی الفبایی موضوعات، هر موضوع ذیل عنوان کلی «کتاب» ذکر شده و هر کتاب نیز با توجه به موضوعات فرعی آن، به ترتیب، به ابواب، فصول و اقسام تقسیم گردیده است. مؤلف همچنین در پایان هر حرف، فصلی را به ذکر نام موضوعاتی ذیل آن حرف اختصاص داده که روایات آنها ذیل حروف و کتابهای دیگر آمده است. مثلاً، در فصل پایانی